

مبلغان و پدیده کم حجابی

یوسف غلامی



چاره کار نیست و باید به اموری دیگر هم توجه داشت. در این گفتار به سه علت این پدیده اشاره می‌کنیم:

- ۱- سستی و تزلزل ایمان
- ۲- انحراف اخلاقی و اعتقادی
- ۳- راهی برای ستیز با جامعه

۱- سستی و تزلزل ایمان

اولین قدم در راه هدایت این گروه از بانوان، پس از آگاه کردن ایشان، معتقد ساختن آنان به مبانی اخلاقی و دینی است. تا زمانی که فرد به خداوند و حکیم بودن او و نیز به وجود روز واپسین اعتقاد نداشته باشد، بسیار

در گفتار پیش، پدیده کم حجابی زنان را مورد بررسی قرار دادیم و یادآور شدیم که مهم‌ترین عامل این امر نداشتن آگاهی لازم دینی است. زمانی که فرد از فواید حجاب و پیامدهای بی حجابی چیزی نداند، بدان پایبند نمی‌شود.

نخستین موضوعی را که مبلغان مورد توجه قرار می‌دهد، این است که پیوسته عامل بی توجهی زنان و دختران به حجاب را انحراف اخلاقی و اعتقادی نمی‌داند و مطمئن است که برای معتقد کردن دختران و زنان به حجاب، تنها دانش افزایی آنان نیز

سبب دور شدن ایشان از غیرت می‌گردد. بنابراین سزاوار است که به موازات هدایت بانوان، در طریق تقویت ایمان و اعتقادات مردان نیز کوشید تا ناخواسته عامل کم توجهی خانواده‌شان به حجاب نشوند.

زمانی که مرد در جنبه‌های مختلف زندگی احساس ناکامی کند، ناخواسته با توسل به توانایی‌های آماده‌اش در پی جبران شکست بر می‌آید. در چنین موقعیتی، برای مردانی که ایمان کاملی ندارند، یکی از راه‌ها، وادار ساختن همسر و اعضای خانه به کم حجابی است. فرد ممکن است بدین وسیله بخواهد با نمایش گذاشتن زیبایی‌های همسرش، احساس توانمندی و مباحثات کند.

از این رو باید نیمی از مسؤولیت زنان را در پابندی به حجاب بر عهده مردان دانست. هرگاه او به هر علت نتواند حضور تأثیرگذاری در خانواده داشته باشد، فرزندان تربیت و پرورش صحیحی نمی‌یابند، نیز باید حدود روابط فAMILI را برای اعضای خانواده مشخص کرد و از آمیختگی جلسات زن و مرد بپرهیزیم.

دشوار است که بتوان در وی اعتقاد و رفتاری پایدار نسبت به حجاب پدید آورد. اگر ایمان زن استوار نباشد، در پی سیراب ساختن حسّ محبت خواهی، به شیوه‌های ناروارو می‌کند و خود و دیگران را به رنج می‌افکند. بنابراین باید کوشید که اول والدین از محبت به فرزندان خود دریغ نورزند تا آن‌ها در محیط خانه احساس شکوه و ارج کنند و به جلوه‌گری‌های خیابانی نپردازند.

برای این کار باید احادیثی که در گرامی داشت مقام آن‌ها است، به ایشان یادآوری کرد. یک ضرب‌المثل ایرلندی می‌گوید: زن را با شمشیر بزنی بهتر از آن است که به او بی‌اعتنایی کنی. دوم آن‌که: از تبعیض میان

فرزندان و مقایسه آن‌ها با یکدیگر بپرهیزند. زیرا پیوسته در این مقایسه کردن‌ها فرد شکست خورده که احساس حقارت می‌کند، می‌کوشد تا به هر وسیله به خودنمایی و جلب توجه پردازد و همین امر زمینه‌های انحراف او و دیگران را فراهم می‌سازد.

سستی ایمان در مردان نیز گاه

نظر دور داشت که یکی از عوامل بی‌توجهی دختران و زنان به حجاب، ستیز با جامعه و گریز از تحقیر است. ارائه تصویر ناصحیح از حجاب و انتظار گوشه نشینی از زنان مسلمان، گویا سبب شده است که برخی پوشش اسلامی را برای خود نوعی عامل تحقیر و مانع پیشرفت بپندارند. آموزه‌های ناصحیح نیز سبب شده است که زن در بسیاری از مواقع، خود را مقهور مرد بشناسد و بپندارد که او می‌خواهد زن را به خدمت خویش محدود سازد. گویا در نگاه مردان، زن موجودی است که فقط برای خدمت به مرد آفریده شده است و خود در آفرینش سهمی ندارد.

با چنین پندار و توهم ناصواب، زن هر گونه اصول انضباطی و اخلاقی را که از سوی مرد سفارش شود، برای خود نوعی عامل محدودیت‌زا قلمداد می‌کند و می‌خواهد از آن بگریزد. در این حالت، زن با بی‌توجهی خود به حجاب قصد فسادانگیزی ندارد و تنها می‌خواهد نشان دهد که وی نیز دارای امتیازاتی است که در صورت لزوم می‌تواند در جلب توجه مردان از آن

۲- انحراف اخلاقی و

اعتقادی

وراثت و محیط دو عامل تأثیرگذار با اهمیت در تربیت افراد است. مربی و مبلغ بدون در نظر گرفتن این دو عامل نه می‌تواند موقعیت افراد را دریابد و نه با تبلیغ خود تأثیر دلخواهی بر رفتار ایشان داشته باشد. چگونه می‌توان از دختری که در دامن مادری ناآشنا به اصول اخلاقی تربیت شده و در محیط مدرسه و اجتماعش به این اصول بهایی داده نشده، انتظار داشت که به پوشش اسلامی معتقد باشد. از این رو مربی ناچار است در آموزش‌های خود، نسبت به رعایت اصول اخلاقی، انگیزه آفرینی کند و برخی از زیان‌های اختلاط زن و مرد و بی‌توجهی به اصول اخلاقی را یادآور شود. گاه لازم است بعضی حوادث و خاطرات تلخ که در اثر انحراف اعتقادی برای خانواده‌ها پیش آمده است، بیان گردد و از آن بهره‌برداری تبلیغی شود.

۳- راهی برای ستیز با

جامعه

این واقعیت تلخ را نمی‌توان از

گروهی احساس ستم کند و در خود توان مقابله و مبارزه نبیند، کینه ستمگر را در دل جای می دهد تا در فرصت مناسب بر او بتازد و حق خود را از او بستاند.

هیچ تردیدی نیست که یکی از علل بدخلقی و بهانه جویی زنان در محیط خانه و بی توجهی به حجاب در بیرون خانه، احساس ستم دیدگی است. وقتی زن در نگاه مرد، بی لیاقت و کم خرد و سست همت شناخته شود، شک نیست که زن در صدد تلافی بر می آید و می کوشد تا با ارائه امتیازات ظاهری و جسمی، مرد را اسیر هوس های خود و به داشتن توان زن معترف سازد.

۳-۳- آزار رسانی

زن در نیروی عاطفی برتر از مرد است و از این که مشاهده کند مرد با قدرت جسمانی سعی دارد در همه چیز، خود را برتر از زن بشناساند، ناخرسند است. از طرفی زن به خوبی ضعف مرد را در نیاز غریزی به زن، حس می کند و می داند که آفریدگار، مرد را در این طلب و نیاز بسیار ضعیف و سست آفریده و زن را در

استفاده کند. در این مرحله زنان چند کوشش را سر لوحه کار خود قرار می دهند:

۱-۳- همدوش شدن با مردان

هنگامی که زن خود را در نظام آفرینش و در نگاه مرد کم مقدار بیندارد، در پی اثبات استعداد و توانایی خود به تکاپو می افتد و یکی از راه های موفقیت خود را در هم دوش شدن با مردان جست و جو می کند. به گمان او هر چه به حوزه فعالیت مردان نزدیک شود و در قلمرو مرد گام نهد بهتر و زودتر می تواند به نقش حقیقی خود دست یابد و نیرو و استعدادش را شکوفا سازد. در آن صورت، مرد نمی تواند به دارا بودن امتیازی خود را بر زن برتر بنمایاند و او را از چیزی محروم کند.

در چنین حال باید به زنان امنیت داد و در عمل به آن ها ثابت کرد که مرد خود را برتر از او نمی داند و زن را در درک، هوش، هنر و فرهنگ، خردتر از خود نمی شناسد و او را مکمل خود می داند، نه رقیب.

۲-۳- سلطه بر مرد

چون کسی نسبت به فرد یا

**حجاب حق مرد نیست
که زن ناچار از مراعاتش باشد.
زن برای حفظ پاکی
از برهنگی می پرهیزد،
هرچند از پاک ماندن او،
مرد (همسر) نیز بهره مند**

می شود

غریزه جلوه گری و ناز، قدرت
بخشیده تا بدین وسیله ضعف جسمی
زن در برابر قدرت بدنی مرد جبران
شده باشد.

در این حال، اگر زن از ایمان، کم
بهره باشد، با نشان دادن زیبایی های
خود و سود جستن از ضعف مرد،
قدرت خود را به رخ می کشد تا مرد را
به شیفتگی وادارد و خود از این حالت
وی لذت ببرد.

مربی آشنا در مقابله با چنین
نگرش های نسنجیده می کوشد تا زن را
از این تفکر اشتباه بیرون آورد و به او
بفهماند که با توسل بدین شیوه نه فقط
مرد به وظایف خود در قبال زن آشنا
نمی شود، بلکه راه های آسیب به زنان
فراهم تر می گردد. جامعه در موقعیت

نابسامان اخلاقی، نه برای زن امنیت
آور است نه برای مرد. تا فرهنگ
اجتماعی و تفکر بشری، زن را آنچنان
که آفریدگارش خواسته است،
نشناسد، با خود نمایی های خیابانی به
حقی دست نمی یابد. آنچه زن با توسل
به خودنمایی به دست می آورد، نمای
آزادی است نه خود آزادی.

هنگامی که زن شخصیت خویش
را باور کرد و خود را والاتر از یک
شیء گران بها شناخت، بدون کمترین
سفارشی آنچه را لازمه محافظت از
خویشتن است، به کار خواهد بست و
طوری رفتار می کند که مرد هم او را
یک انسان تمام عیار بداند. باید مربی به
بانوان و مردان بیاموزد که حجاب حق
مرد نیست که زن ناچار از مراعاتش
باشد. زن برای حفظ پاکی از برهنگی
می پرهیزد، هرچند از پاک ماندن او،
مرد (همسر) نیز بهره مند می شود. اگر
مراعات حجاب برای حفظ حق شوهر
و پدر بود می بایست با رخصت آن ها و
بی تفاوتی شان نسبت به حجاب، زن
بتواند ناپوشیده در مجامع حاضر شود،
حال آن که چنین حقی به ایشان داده
نشده است.